



گفت‌وگو با «محسن جلال‌پور» فعال و تحلیل‌گر مسائل اقتصادی، رئیس سابق اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

## رویکرد حاکمیت اقتصادی نیست

محسن جلال‌پور، تحلیل‌گر و فعال اقتصادی و رئیس پیشین اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در گفت‌وگو با ما می‌گوید که مسیر تجارت خارجی از طریق وزارت امور خارجه و ارتباطات بین‌المللی می‌گذرد. رویکرد دولت در زمینه تجارت خارجی در صحبت خیلی خوب است، اما در عمل موفقیتی حاصل نشده، جز اینکه سختی‌ها و مشکلات و موانع بویژه در زمینه صادرات بیشتر هم شده است.

وی معتقد است که مسائل امنیتی، سیاسی، نظامی و اجتماعی مهم است، اما در بحران اقتصادی هستیم. رویکرد حاکمیت چه در عرصه داخلی و چه بین‌المللی اقتصادی نیست و بیشتر نظامی و امنیتی است که با این رویکرد نمی‌توان یک اقتصاد را توسعه داد. او همچنین می‌گوید تا زمانی که شرکت‌های دولتی با هزاران میلیارد پولی که هر سال از بودجه دولت می‌برند و ضررهایی که دولت جبران می‌کند و با فضای غیررقابتی، بدیهی است که بخش خصوصی رونق پیدا نکرده و شکل نمی‌گیرد؛ حتی اگر شکل هم بگیرد، یک بخش خصوصی خیلی رانت‌خوار است که همین امر هم در کشور اتفاق افتاده است و بخش خصوصی سالم هم روزبه‌روز ضعیف‌تر شده است.

جلال‌پور معتقد است که لوکوموتیو اقتصاد یک کشور، تجارت است؛ از تجارت است که صنعت، کشاورزی و سایر بخش‌ها فعال می‌شوند. زمانی که شرایط تجاری خوب، چه داخلی و چه خارجی فراهم شود، تولید هم پشت آن خواهد آمد. ما به اندازه نیاز و ظرفیت‌های کشور، تاجران فعال نداریم؛ بویژه در بخش‌های خدمات، تجارت فعالیت‌های دانش‌بنیان، آنلاین، آی سی تی و آی تی؛ درحالی‌که ما مغزهای متفکر و جوان‌های فراوان در این زمینه‌ها داریم، اما نمی‌توانند به خارج متصل شوند. در حال حاضر مهم‌ترین کار ایجاد فضای کسب‌وکار مناسب و شرایط رقابتی است. او یادآوری می‌کند که در تولید و تجارت باید اصل را بر ارزش افزوده و سود ارزی گذاشت. اگر کالای خام را به کالایی مصرفی و واسطه‌ای تبدیل کنیم که قیمت آن بیشتر از قیمت کالای وارداتی مشابه باشد و با یارانه‌ای که پرداخت می‌کنیم، آن‌قدر باشد که صادرات، عملاً صادرات یارانه‌ای باشد، دنبال تولید چنین کالاهایی بودن، مفهومی ندارد. پس جمله «خام‌فروشی راه به جایی نمی‌برد» را به‌طور کامل نمی‌پذیریم.

در ادامه، مشروح کامل این گفت‌وگو را بخوانیم.



## ◆ شما چه تحلیل و ارزیابی از تغییر الگوی تجارت خارجی کشور نسبت به گذشته دارید؟

این موضوع را می‌توان از دو جنبه کارهای عملی و اجرایی و صحبت‌ها، وعده‌ها و آرمان‌ها بررسی کرد و پاسخ داد، در زمینه وعده و قول، از طرف دولت بویژه وزیر محترم، رئیس سازمان توسعه و تجارت و برخی از عزیزان دست‌اندرکار صحبت‌های خوبی با این عنوان که «به توسعه روابط خارجی خیلی قائل هستیم»، «علاقه داریم» و «دنبال می‌کنیم»، اشاره شده است. برای مثال نوشته‌ها و گفته‌های رئیس محترم سازمان توسعه و تجارت، دلالت بر این دارد که دولت پیگیر توسعه تجارت خارجی است و قصد دارد مشکلات و مسائل پیش روی آن را برطرف نماید، در زمینه ارتباط با همسایگان نیز به همین ترتیب از طرف رئیس‌جمهور محترم، معاون اول و وزاری مربوطه صحبت‌های خوبی مطرح شده است، به نظر رویکرد آرزویی عزیزان دست‌اندرکار دولت سیزدهم توسعه تجارت است، اما در عمل، قضیه متفاوت است و اتفاق خاصی را شاهد نبودیم. به نظر بنده زیربنای روابط خارجی، ارتباطات بین‌الملل است، من قبل از دولت سیزدهم، در زمان شکل‌گیری دولت سیزدهم و در زمان تعیین وزرا، این موضوع را مطرح کردم که قبل از اینکه نگاه وزیر اقتصاد، وزیر صنعت، معدن و تجارت و تیم اقتصادی دولت، نگاه رو به جلویی برای اقتصاد کشور باشد، نگاه به تیم بین‌الملل دولت از جمله وزیر امور خارجه، رئیس شورای امنیت ملی و عزیزانی که در تصمیم‌گیری ارتباطات بین‌المللی هستند، بسیار مهم است. به عبارتی من معتقدم که حتماً مسیر تجارت خارجی از مسیر وزارت امور خارجه، تصمیمات در عرصه بین‌المللی، ارتباطات بین‌المللی و توافق و ارتباطاتی که در این زمینه است، می‌گذرد. در عمل هم می‌بینیم الان حدود ۷ ماه از دولت جدید گذشته ولی گشایشی حاصل نشده و هر روز صحبت از توافق است، هر روز صحبت از نزدیک شدن به توافق است، هر روز صحبت از ارتباطات بیشتر است، اما اگر واقعیت را بخواهیم بدانیم اتفاقی نیفتاده است، ضمن اینکه بعضی سخت‌گیری‌ها و موانع هم بیشتر شده است و به جرات می‌توان گفت در زمینه ارتباطات پولی و انتقال پول، مشکلات ما در برخی از زمینه‌ها جدی است از جمله در زمینه صادرات، حمل‌ونقل، فروش کالا در خارج کشور، قراردادهای، همچنین در بعضی از محصولات کشاورزی در بخش باقیمانده سموم، در بحث سلامت غذا، همین‌طور در بعضی محصولات

دیگر، مشکلات جدیدی هم در این ماه‌ها به وجود آمده است. مسئله نقل‌وانتقال پول که اصلی‌ترین نیاز صادرات و واردات است، خیلی سخت شده و گشایش اعتبارها به سختی انجام می‌شود، تخصیص ارز مشکل دارد؛ بنابراین می‌توان گفت رویکرد دولت در زمینه تجارت خارجی در صحبت خیلی خوب است، ولی در عمل چندان موفقیتی برای تحقق این رویکرد حاصل نشد و در واقع تفاوت محسوسی دیده نمی‌شود، جز اینکه سختی‌ها، مشکلات و موانع خصوصاً در زمینه صادرات بیشتر شده است، باری برداشته نشده و هنوز هم تعهد ارزی همان روال سابق است، اما صحبت است که همه این‌ها ان‌شاءالله در آینده بهتر خواهد شد.

◆ علم به این داریم که خام‌فروشی راهی به توسعه نمی‌برد؛ دهه‌هاست که سیاست‌گذار باید‌ها و نبایدها را تکرار می‌کند، اما هنوز هم ۸۰ درصد صادرات، مواد خام است. به نظر شما سهم هر کدام از عوامل: حاکمیت، صنعت و تجارت در این ناکامی چیست؟

من جمله «خام‌فروشی راه به‌جایی نمی‌برد» را به‌طور کامل و عام نمی‌پذیرم. فکر می‌کنم که در دنیای امروز بایستی مهم‌ترین اصل را بر ارزش‌افزوده و سود ارزی گذاشت. در واقع اگر بخواهیم کالای خام را به کالای مورد استفاده، مصرفی و یا حتی واسطه‌ای تبدیل کنیم، اگر هزینه‌های آن و در واقع «سرباری» که به آن تعلق می‌گیرد بیشتر از قیمت کالای وارداتی باشد، دنبال تولید چنین کالاهایی بودن مفهومی ندارد. یا در بحث صادرات اگر بارانه‌ای که روی آن پرداخت می‌کنیم آن قدر باشد که صادرات ما عملاً صادرات یارانه، یارانه انرژی و خیلی از یارانه‌های دیگر کشور باشد، باز هم تولید مفهومی ندارد. مثال خیلی ساده آن گاز و کالاهای پتروشیمی است. امروز

### حدود ۷ ماه از

### دولت جدید

### گذشته ولی

### گشایشی حاصل

### نشده و هر

### روز صحبت از

### توافق است، هر

### روز صحبت از

### نزدیک شدن به

### توافق است، هر

### روز صحبت از

### ارتباطات بیشتر

### است، اما اگر

### واقعیت را بخواهیم

### بدانیم اتفاقی

### نیفتاده است،

### ضمن اینکه بعضی

### سخت‌گیری‌ها و

### موانع هم بیشتر

### شده است و

### به جرات می‌توان

### گفت در زمینه

### ارتباطات پولی

### و انتقال پول،

### مشکلات چندین

### برابر بیشتر از سال

### قبل در همین زمان

### شده است.

قیمت بین‌المللی گاز معلوم است، بویژه در حال حاضر که جنگ اوکراین به وجود آمده، صحبت از گران شدن قیمت گاز است. در حال حاضر گاز حداقل بین ۳۰ سنت تا یک و دو دهم دلار در دنیا در حال معامله است، اما در ایران گاز با قیمت کمتر از یک سنت به دست مصرف‌کننده می‌رسد؛ شاید یک‌صدم قیمتی که در بعضی از کشورها به فروش می‌رسد. با شرایط حال حاضر صحبت از این است که قیمت گاز تا نزدیک دو دلار هم افزایش پیدا کند و نهایتاً ما کمتر از یک سنت در واقع یک درصد قیمت متوسطی که در حال حاضر در دنیا است، گاز را در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌دهیم. حال اگر با این گاز، کالایی را تولید کنیم و یا فرآوری را انجام بدهیم و بعد صادر کنیم، عملاً خودمان را فریب می‌دهیم؛ بنابراین موضوع مهم در صادرات، صادرات ارزش‌افزوده است و ما بایستی به دنبال ارزش‌افزوده باشیم نه دنبال خام و نه دنبال فرآوری شده و نه غیر از آن. خیلی از عزیزان می‌گویند صادرات غیرنفتی یا صادرات واقعی، اما عرض من این است که در همان صادرات غیرنفتی یا صادرات واقعی و برعکس آن در صادرات نفتی، اگر ما کالایی را تولید کنیم که ارزش‌افزوده ارزی (تکرار می‌کنم ارزش‌افزوده ارزی) برای ما داشته باشد، آن‌گاه این کالا مقرون‌به‌صرفه است و برای کشور خیر و صلاح دارد، اما هر نوع کالایی که تولید کنید اما ارزش‌افزوده ارزی نداشته باشد یا از یارانه بهره‌بردار، حتی تولیدشده یا فرآوری‌شده آن کالا، باز برای کشور سودی نخواهد داشت. مهم این است که ما برای صادرات به یک مقوله و یک فعالیت جدید بپردازیم و آن این است که ببینیم صادرات ارزش‌افزوده ارزی هر کالا چقدر است. ما در این زمینه خیلی عقب هستیم؛ حتی در صادرات پتروشیمی، صادرات کالاهای نفتی و کالاهایی که امروز خیلی به آن اتکا داریم یا حتی صادرات محصولات کشاورزی. اگر توجه کنیم که برای تولید محصولات کشاورزی چه میزان آب، گاز، برق، گازوییل و انرژی مصرف می‌شود، میزان خاکی که فرسایش داده می‌شود، موقعیت منطقه‌ای و محیط‌زیست که از بین می‌رود، همه این‌ها نه‌تنها آورده‌ای برای کشور ندارد، بلکه ممکن است خسارت‌های جدی هم داشته باشد. در حال حاضر بحران آب را داریم، در آینده در منابع انرژی هم بحران خواهیم داشت؛ بنابراین من معتقدم که باید نگاهمان را به صادرات، از صادرات نفتی و غیرنفتی یا صادرات خام و فرآوری‌شده و سایر دیدگاه‌هایی که داریم، عوض کنیم و به صادرات کالاهای با ارزش‌افزوده ارزی بپردازیم و مسئله صادرات را دو قسمت کنیم؛ بخشی از

صادرات که ارزش‌افزوده ارزی برای کشور می‌آورد و بخشی که ارزش‌افزوده‌ای در بر ندارد و همه تمرکز را بر صادراتی بگذاریم که ارزش‌افزوده ارزی برای کشور به همراه دارد و در آن صورت این مسئله ارزشمند است و کشور در واقع مستغنی خواهد شد.

### ◆ چه ارزیابی از گسترش زیرساخت‌های بازرگانی در استان کرمان در تناسب با مراکز مهم تجاری کشور دارید؟

زیرساخت‌های بازرگانی در کرمان مثل همه کشور است. من تقریباً هر ۳۱ استان کشور را بازدید کرده‌ام، در استان کرمان خیلی نمی‌توان گله‌مند بود یا زیرساخت‌ها را خیلی بهتر جلوه داد. فکر می‌کنم در استان ما هم به‌عنوان یکی از استان‌های کشور به فراخور ظرفیت‌هایی که داشتیم، زیرساخت‌های بازرگانی فراهم شده است. هرچند که در این زمینه، همه استان‌های ما، عقب‌افتاده هستند و تنها استان کرمان نیست. به عبارتی، نسبت به بقیه استان‌ها ما نه خیلی عقب هستیم و نه جلو. در کل استان‌های کشور، نسبت به دنیا در بخش زیرساخت‌ها مسئله دارند. مهم‌ترین زیرساختی که نیاز اصلی است، همان فضای مناسب کسب‌وکار است که اصلاً در کشور وجود ندارد، شرایط بازارها، بی‌اطمینانی‌ها، بی‌ثباتی‌ها، شرایط تحریم و... باعث شده که فضای کسب‌وکار ما، فضای توسعه بازرگانی چه داخلی و چه خارجی نباشد و عدم اعتماد به آینده، کار را خیلی سخت کرده است. کما اینکه شرایط خود استان هم متفاوت است، زیرساخت‌ها در شمال استان بهتر از جنوب استان است، ما در جنوب استان مشکلات بیشتری داریم، اما در نهایت نسبت به ظرفیت، GDP (تولید ناخالص داخلی)، جمعیت، وسعت و توان استان کرمان، چندان نمی‌توانیم خودمان را عقب‌تر یا جلوتر ارزیابی کنیم. فکر می‌کنم که ما در اندازه متوسط کشور هستیم. البته جای کار فراوان دارد، هم به جهت مجموعه نیازهای مواصلاتی، ارتباطی، ریلی و هم به جهت نیازهای اداری که در واقع در جنوب استان مشکلاتی در این زمینه داریم و مهم‌تر از همه در واقع همان فضای کسب‌وکار است. در مجموع شرایط ما خیلی متفاوت از بقیه استان‌ها نیست و اینکه ما استان ۱۲۸م یا ۱۳۰ام در فضای کسب‌وکار هستیم، خیلی مطلب ناگواری است، ولی درعین‌حال تفاوت‌چندانی هم با استان دهم و دوازدهم در کشور وجود ندارد. وقتی شرایط برای انجام کار مهیا نیست، وقتی کاری قرار نیست انجام شود، فضایی برای انجام کار نیست خیلی فرقی نمی‌کند رتبه چندم باشیم، چه در رتبه دوم و چه در رتبه دوم از آخر!

من معتقدم که باید نگاهمان را به صادرات، از صادرات نفتی و غیرنفتی یا صادرات خام و فرآوری‌شده و سایر دیدگاه‌هایی که داریم، عوض کنیم و به صادرات کالاهای با ارزش‌افزوده ارزی بپردازیم و مسئله صادرات را دو قسمت کنیم؛ بخشی از صادرات که ارزش‌افزوده ارزی برای کشور می‌آورد و بخشی که ارزش‌افزوده‌ای در بر ندارد و همه تمرکز را بر صادراتی بگذاریم که ارزش‌افزوده ارزی برای کشور به همراه دارد و در آن صورت این مسئله ارزشمند است و کشور در واقع مستغنی خواهد شد.

در فاصله زمانی یک‌ساعته با کرمان، چندان نیازی به فرودگاه نداشت و بهتر بود ما مسیر کرمان - رفسنجان را بهبود می‌بخشیدیم و رفت‌وآمد را در این مسیر راحت‌تر می‌کردیم که این کار برای افراد خیلی مناسب‌تر و بهتر بود و نهایتاً می‌توانست مؤثرتر هم باشد.

♦♦ **به هر حال چالش‌های تجاری در تجارت داخلی و بویژه خارجی وجود دارد، ارزیابی شما از مبارزه با چالش‌ها و پای کار آمدن بازرگانان ایرانی بخصوص کرمانی در ظرفیت‌سازی تجاری و حضور در بازارهای جهانی چیست؟**

به نظر من تجار کرمانی کار خود را خوب انجام داده‌اند؛ بایستی گفت کرمان شهر نسبتاً تاجرپروری است. همین الان سالانه بالغ بر دو میلیارد دلار ارز از محصولات کشاورزی، صنایع دستی و صنایع خرد وارد استان می‌شود که اگر بخواهیم مجموعه‌هایی مثل گل‌گهر و مس را هم اضافه کنیم، مبلغ بیش از این خواهد بود. همه این‌ها به این مسئله برمی‌گردد که ما در استان تجار خوبی داشته‌ایم. اصولاً اگر تجار خوب باشند تولید می‌تواند رونق بگیرد و اگر در استان کرمان تا اندازه‌ای تولید محصولات کشاورزی و معدنی رونق گرفته است، بخشی از آن به واسطه وجود تجار خوب کرمانی است. به نظرم مهم‌ترین کار در حال حاضر ایجاد فضای کسب‌وکار مناسب و شرایط رقابتی است و این موارد بیشتر به حاکمیت برمی‌گردد. اگر این موارد مهیا باشد تجار هم پای کار هستند. همین امروز هر باب و هر عرصه‌ای که باز شود و شرایط تجارت فراهم شود، عده زیادی مشغول خواهند بود. حتی گاهی اوقات در اتاق بازرگانی صحبت بود که تجار ما بیشتر از آن چیزی که نیاز داریم در فعالیت‌های بازرگانی وارد شده‌اند. تاجر فراوان و تاجر فعال می‌تواند به توسعه زیرساخت‌ها، بخش‌های اقتصادی، صنعت، معدن، کشاورزی، مجموعه‌های دانش‌بنیان و خدمات کمک کند که لازمه آن همان‌طور که عرض کردم، به اعتقاد بنده ایجاد فضای کسب‌وکار، رقابتی کردن شرایط اقتصادی کشور، زدودن رانت‌ها، ایجاد فضای سالم و سالم‌سازی فضای اقتصادی است که از همه‌چیز مهم‌تر است.

♦♦ **مرور سرگذشت کسب‌وکارها، تجربه موفق پیوند سرمایه‌های تجارت و صنعت و تکمیل ظرفیت‌های خالی صنعت از سوی تجارت را نشان می‌دهد. در این مورد نظر شما چیست و چه ارزیابی از وضعیت کنار هم آمدن صنعت و تجارت در کشور و نیز در استان کرمان دارید؟**

شاید بنده به‌عنوان اولین نفر به این مسئله اعتقاد دارم و در واقع کمتر کسی این مسئله را دنبال کند که «لوکوموتیو

بنابراین در کشور باید این مسئله را ارزیابی کرد و بایستی دنبال این باشیم که فضای مناسب کسب‌وکار ایجاد شود. این فضا وقتی به وجود می‌آید که ما اتکای به بخش خصوصی و اتکای به تولید داشته باشیم. تا زمانی که منابع نفتی و منابع دیگر در اختیار کشور هست و دست حاکمیت در منابع ملی و در جیب منابع عمومی و بیت‌المال است، عملاً خیلی نیازی به مردم، کار مردم و مالیات‌گیری و اداره کشور از طریق مالیات وجود ندارد و بنابراین خیلی دنبال فضای کسب‌وکار، رقابتی کردن بازارها و شرایط تسهیل در صادرات و واردات و تجارت خارجی نیستیم. در مجموع این مسئله کشوری است و چندان ارتباطی با کرمان ندارد. چه‌بسا که کرمان به جهت اینکه یک استان مولد است و تا اندازه زیادی در تولید نقش دارد تا مصرف و یا در صادرات نقش دارد تا واردات، شاید از این جهت شرایط بهتری هم داشته باشد.

♦♦ **سال‌های زیادی است که از پنج فرودگاه فعال، به‌عنوان زیرساخت‌های حمل‌ونقل هوایی استان کرمان یاد می‌شود، این مزیت تاکنون چه تأثیر چشمگیری در تجارت بویژه تجارت خارجی داشته است؟**

به اعتقاد بنده تأثیر چندانی نداشته، زیرا هواپیمای کارگو یا باربری از هیچ نقطه‌ای در استان کرمان پرواز ندارد و اصولاً حمل‌ونقل هوایی به دلیل هزینه‌هایی که دارد مقرون‌به‌صرفه نیست و کلاً حمل‌ونقل هوایی در جایی انجام می‌شود که ارزش افزوده، قیمت تمام‌شده و قیمت فروش به اندازه‌ای باشد که هزینه کرایه حمل هوایی را پوشش دهد. در حال حاضر در جنوب استان در حال بهره‌برداری از پایانه صادراتی هستیم که روزهای آخر خود را می‌گذرانند و موضوع حمل هوایی مطرح است، اما هر طور که محاسبه می‌کنیم به این نتیجه می‌رسیم که حتی با وجود قیمت‌های فعلی و بارانه‌ای که به انرژی و سوخت هواپیما می‌دهند، باز هم حمل هوایی خیلی میسر نیست؛ بنابراین این زیرساخت‌ها و بخصوص پنج فرودگاه، کمکی به تجارت خارجی استان نکرده است، شاید اگر این فرودگاه‌ها به صنعت توریسم می‌پرداختند، حرکتی در زمینه توسعه استان به وجود می‌آمد. البته در همین زمینه هم فعال نبوده‌ایم. برخی از این فرودگاه‌ها در هفته، یک پرواز و برخی دو پرواز دارند و حتی برخی اصلاً در هفته پرواز ندارند. در واقع هزینه‌های ایجاد فرودگاه، هزینه‌هایی بوده که نمایندگان به جهت مطلوبیت و محبوبیت بیشتر در شهرستان‌ها دنبال آن بوده‌اند؛ به‌طور مثال شهرستانی مثل رفسنجان

#### تا زمانی که منابع

#### نفتی و منابع دیگر

#### در اختیار کشور

#### هست و دست

#### حاکمیت در منابع

#### ملی و در جیب

#### منابع عمومی و

#### بیت‌المال است،

#### عملاً خیلی نیازی

#### به مردم، کار مردم

#### و مالیات‌گیری

#### و اداره کشور از

#### طریق مالیات

#### وجود ندارد و

#### بنابراین خیلی

#### دنبال فضای

#### کسب‌وکار، رقابتی

#### کردن بازارها و

#### شرایط تسهیل

#### در صادرات و

#### واردات و تجارت

#### خارجی نیستیم.

#### در مجموع این

#### مسئله کشوری

#### است و چندان

#### ارتباطی با کرمان

#### ندارد. چه‌بسا که

#### کرمان به جهت

#### اینکه یک استان

#### مولد است و تا

#### اندازه زیادی در

#### تولید نقش دارد

#### تا مصرف و یا در

#### صادرات نقش

#### دارد تا واردات،

#### شاید از این جهت

#### شرایط بهتری هم

#### داشته باشد.



ما مغزهای متفکر و جوان‌های فراوان در زمینه‌های مختلف آی‌تی، دانش‌بنیان داریم که نمی‌توانند به خارج متصل شوند. در مجموع نیاز است که فعالان اقتصادی در حوزه‌های مذکور در زمینه تجارت ورود نمایند، اما اینکه چرا این اتفاق رخ نمی‌دهد، مهم‌ترین دلیل آن فضای نارقابتی، غیرسالم و رانتی است. تاجری که قرار باشد با شرکت‌های دولتی که دست در جیب دولت و نهادهای عمومی دارند رقابت کند، مطمئناً خیلی می‌تواند مستحکم و مداوم ورود کند؛ بنابراین تا زمانی که عرصه فعالیت‌های اقتصادی، عرصه رقابتی نیست، خیلی نباید انتظار داشت شرایط، شرایط رقابتی و تجارت‌پروری باشد. همان‌طور که اشاره شد وضعیت استان کرمان نیز نسبت به ظرفیت‌ها و شرایطی که دارد در مقایسه با کشور بد نیست، ولی در کل اگر بخواهیم ارزیابی کنیم و به‌عنوان یک استان در یک کشور در دنیا بخواهیم آن را مقایسه کنیم هنوز خیلی جای پرورش بیشتر تجار فعال و به‌روز دارد.

❖ اصولاً کشورهای دنیا بخش عمده صادراتشان را با همسایگان انجام می‌دهند، البته بویژه در شرایط تحریم، دادوستد با همسایگان یک روش مطلوب است. علت چیست که در این زمینه توفیق چندانی نداریم؟

خیلی مشخص است چون رویکرد حاکمیت ما، رویکرد اقتصادی نیست نگاه حاکمیت و رویکرد حاکمیت در کشورمان چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی، اقتصادی نیست و رویکرد بیشتر نظامی و امنیتی است و با رویکرد نظامی و امنیتی نمی‌توان یک اقتصاد را توسعه داد. کشور ترکیه رویکرد اقتصادی دارد و هر جا که حضور پیدا می‌کند فقط به نام مسائل اقتصادی است و موفق هم هست، ما می‌توانستیم در این زمینه از ترکیه خیلی جلوتر باشیم، ولی نگاه و رویکرد ما این‌طور نیست. با همه ظرفیت‌هایی هم که در کشور وجود دارد، از آن همه هزینه‌هایی که در عراق، سوریه، لبنان، یمن و جای‌جای دنیا کرده‌ایم، هیچ‌وقت استفاده اقتصادی نکرده‌ایم، چون رویکردمان این بوده، چون حاکمیت این مسئله را در صدر کار خود قرار نداده و نهایتاً سفرا، سفارتخانه‌ها و رایزن‌های بازرگانی ما شرایط لازم و فضای لازم برای توسعه اقتصادی را ندارند، درحالی‌که می‌بینیم ترکیه خیلی خوب به این شکل عمل کرده و ما می‌توانستیم از این کشور به‌عنوان یک الگو استفاده کنیم که حداقل از این‌همه هزینه‌ای که می‌شود، یک برآورد و آورده اقتصادی برای کشور داشته باشیم.

اقتصاد یک کشور تجارت است؛ از تجارت است که صنعت، کشاورزی و بقیه بخش‌ها فعال می‌شوند. زمانی که شرایط تجاری خوب، چه داخلی و چه خارجی فراهم شود بالطبع تولید هم پشت آن خواهد آمد. مثال خودم را همیشه دارم که من سال ۶۰ به‌عنوان یک تاجر کوچک وارد بازار شده‌ام و امروز که نگاه می‌کنم در پنج بخش صنعت، معدن، کشاورزی، ساخت‌وساز، دانش‌بنیان و بخش تجارت فعال هستم. در واقع مسیر مرا به این سمت برد؛ یعنی زمانی که تجارت من ایجاب می‌کرد که محصولی را تولید کنم دنبال تولید و کشاورزی بودم. پسته را که صادر می‌کردم دنبال تولید پسته بودم و اگر بازار کشتش برخی کالاها را داشت و امکان فروش آن‌ها بود، دنبال تولید آن محصول می‌رفتم. در دهه ۴۰ و ۵۰ هم تجار پیشران اقتصاد بوده‌اند. عالیخانی (وزیر اقتصاد در دهه چهل) بزرگ‌ترین هوشیاری که کرد این بود که تجار را به سمت تولید برد، فضا را برای آن‌ها فراهم کرد و به آن‌ها موقعیت داد و با اینکه تجارت می‌کردند، در تولید خیلی از کالاها بخصوص لوازم خانگی و صنعتی وارد می‌شدند. در آن زمان شرایط برای صنعتگران فراهم شد که خود آن‌ها تولیدکننده باشند. از جمله «برخوردارها»، «خسروشاهی‌ها» و همه کسانی که آن زمان وارد عرصه تولید شدند، قبل از آن تجار بنامی بودند که کار تجارت را بویژه در عرصه خارجی خیلی خوب دنبال می‌کردند؛ بنابراین من فکر می‌کنم که سرگذشت نشان می‌دهد اگر ما به تجار میدان بدهیم و شرایط را برای آن‌ها فراهم کنیم، بازار رقابتی را ایجاد و رانت‌ها را بزدااییم حتماً در عرصه‌های دیگر می‌توانیم موفق شویم که این عرصه‌ها می‌تواند صنعت، معدن، کشاورزی، خدمات و فعالیت‌های دانش‌بنیان باشد.

❖ به نظر شما اولاً وضعیت کشور ما از نظر داشتن تعداد تاجران به معنای واقعی که قدرت انجام کار و ماندگاری چشمگیر در بازارهای جهانی داشته باشند چگونه است؟ و دیگر این که ارزیابی شما از جایگاه استان کرمان از همین لحاظ در کشور چیست؟

من معتقدم به میزان نیاز و ظرفیت‌های کشور، تجار فعال نداریم، بخصوص در خیلی از زمینه‌هایی که امروز در دنیا حرف برای گفتن دارند، مثل بخش‌های خدمات، تجارت فعالیت‌های دانش‌بنیان، آنلایین و مجموعه‌های آی‌سی‌تی و آی‌تی، افرادی را که توان رقابت داشته باشند، نداریم. کشور هند در زمینه آی‌سی‌تی و آی‌تی به یک مرکز تجاری تبدیل شده است و به میزان بالایی



### اگر زیربناها و

زیرساخت‌های

فضای کارهای

دانش بنیان را

جدی بگیریم و

به آن بپردازیم،

مطمئنم که بخش

خصوصی سالم

و بدون رانت

می‌تواند بوجود

آید. آن وقت

بخش خصوصی

است که نیاز به

منابع کشور و

اندوخته‌های

کشور ندارد، بلکه

نیاز به فکر، ایده

و خلاقیت دارد

که در ذهن‌هاست

و مسلماً می‌تواند

بدون رقابت

غیرسالم و بدون

رانت رشد نماید

و شاید این یکی

از اساسی‌ترین

کارهای پیش رو

باشد.

امروز وجود دارد. اگر این فضا را آلوده نکنیم و توسعه دهیم و اگر زیربناها و زیرساخت‌های فضای کارهای دانش بنیان را جدی بگیریم و به آن بپردازیم، مطمئنم که بخش خصوصی سالم و بدون رانت می‌تواند بوجود آید. آن وقت بخش خصوصی است که نیاز به منابع کشور و اندوخته‌های کشور ندارد، بلکه نیاز به فکر، ایده و خلاقیت دارد که در ذهن‌هاست و مسلماً می‌تواند بدون رقابت غیرسالم و بدون رانت رشد نماید و شاید این یکی از اساسی‌ترین کارهای پیش رو باشد. من همیشه عرض کردم از اتاق ایران که بیرون آمدم، فکر کردم که اگر ما یک بخش خصوصی منسجم و بزرگ بخواهیم داشته باشیم، تنها جایی که باقی‌مانده و هنوز به آن می‌شود امید داشت، مجموعه فعالیت‌های دانش بنیان است. در ۵ سال گذشته که از اتاق بیرون آمدم بیش از ۷۰ درصد از وقتم را به این کارها پرداخته‌ام و سعی کردم در شتاب‌دهنده‌های مختلف، در مجموعه کارهای دانش بنیان و در مجموعه‌های استارت-آپی هم سرمایه‌گذاری کنم و هم وقت گذاشته و هم تشویق کنم، به این جهت که من اعتقاد دارم که اگر ما بتوانیم این بخش را شکل داده و بزرگ کنیم می‌توانیم یک بخش خصوصی پویا و پایدار داشته باشیم که خیلی از مسائل را در آینده بتواند حل کند و البته در زمینه‌های بازرگانی نیز بتواند پیشرو باشد. ♦♦

### ♦♦ جنابعالی اصلاحات ساختاری لازم و البته قدرتمند و بنیادی در بازرگانی خارجی کشور را چگونه توضیح می‌دهید؟

همان‌طور که اشاره کردم، رویکرد حاکمیت باید اقتصادی باشد و اولویت، اولویت اقتصادی باشد. البته من اعتقاد به مسائل امنیتی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و همه این‌ها دارم، اما اگر ما در اقتصاد، دچار گرفتاری هستیم و بحران اول ما بحران اقتصادی است، باید نگاهمان را عوض کنیم. با نگاه و رویکرد اقتصادی می‌توانیم خیلی از مسائل را به اصطلاح پوشش دهیم و فضای کشور را فضای رقابتی کنیم. تا زمانی که شرکت‌های دولتی با هزاران میلیارد پولی که هر سال از بودجه دولت می‌برند و ضررهایی که دولت جبران می‌کند، با هزینه‌هایی که انجام می‌شود، با غیررقابتی کار کردن و با امکاناتی که در اختیار این شرکت‌هاست، مسلماً بخش خصوصی رونق پیدا نمی‌کند و شکل نمی‌گیرد. حتی اگر بخش خصوصی هم شکل بگیرد، یک بخش خصوصی خیلی رانت‌خوار است که همین امر در کشور اتفاق افتاده و به تبع آن فضا، چنین بخش خصوصی شکل گرفته است. بخش خصوصی سالم ما روزبه‌روز ضعیف‌تر و نحیف‌تر شده است، شاید بهترین راهکاری که من می‌توانم ارائه کنم، نگاه به شرکت‌های دانش بنیان و نگاه به فضایی است که در این زمینه،